

آدم، نیای انسان نوین و نقطه عطفی در روند

تکامل انسان *

(نظریه‌ای قرآنی، روایی برای بیرون‌رفت از چالش تکامل)

علی موحدیان عطار

چکیده

از آنجا که نظریه تکامل انواع اکنون مورد پذیرش بیشتر دانشمندان است، تعارض میان این دیدگاه علمی با گزارش آفرینش انسان در قرآن، چالش بزرگی را برای ارزش علمی قرآن پیش آورده است. این نوشتار بر آن است تا با تکیه بر شواهدی از قرآن و روایات در باب آفرینش آدم علیه السلام نشان دهد که او نه نخستین انسان است و نه الزاماً از غیر روند طبیعی پیدایش جانداران آفریده شده است، بلکه نیای انسان نوین (نسل امروزی انسان‌ها) و نخستین انسان اندیشه‌ورز دارای عقل است که پس از نسل‌های متعدد از انسان‌ها و انسان‌نماها، خدای متعال او را با دادن این ویژگی متمایز ساخته و برگزیده است. از طرفی، گزارش علمی درباره پیدایش تکاملی انسان جزئیاتی را آشکار می‌کند که با گزارش قرآنی، روایی در این باره متناظر است. برای نمونه، متناظر با گزارش قرآنی، روایی، گزارش علمی نیز بر پیوستگی ژنی انسان امروزی با انسان‌های پیشین تأکید دارد و همه انسان‌های امروزی را از سمت پدری فرزندان یک شخص خاص می‌داند؛ همچنین هم‌نوا با داده‌های قرآنی و روایی، بر وجود انسان‌های پیش از انسان امروزی و انقراض آن‌ها اشاره دارد. به این گونه، می‌توان میان گزارش قرآنی، روایی از آفرینش آدم با یافته‌های علمی در باب پیدایش تکاملی انسان امروزی از انسان‌های پیشین و دیگر جانداران، جمع کرد.

کلید واژه‌ها: آدم، انسان، نظریه تکامل، آفرینش، قرآن، داروین.

* تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۹/۲۰ - تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۰/۱۲/۱۱ - نوع مقاله: علمی، پژوهشی.

** معارف دانشکده الهیات پردیس فارابی دانشگاه تهران (عضو سابق) /

مقدمه

نظریه رایج در علوم تجربی درباره پیدایش انسان، نظریه تکامل انواع است که عمدتاً با دو اصل انتخاب طبیعی و جهش ژنتیکی تبیین می‌شود. از سویی، میان نظریه ارائه شده از سوی دانشمندان زیست‌شناس و دیرینه‌انسان‌شناس^۱ درباره پیدایش انسان در روی زمین، با دیدگاه قرآن در آفرینش آدم علیه السلام به عنوان نخستین انسان، تعارضی به نظر می‌آید. از آنجا که موضوع تکامل انواع تا حد زیادی از معیارهای مقبولیت علمی برخوردار و مورد پذیرش بیشتر دانشمندان و حتی الهی‌دانان است،^۲ تعارض ظاهری میان این دیدگاه علمی با نظرگاه قرآنی، چالش بزرگی را برای ارزش علمی قرآن و دیگر متون دینی هم‌راستا فراهم آورده و پرسشی را در انداخته است که سال‌هاست فراگیر شده و پاسخ می‌طلبد.

مهم‌ترین نقاط تعارض میان دیدگاهی که به طور سنتی از قرآن و روایات در باره آفرینش انسان گزارش می‌کنند، با آنچه عموماً از دستاوردهای علمی در باره پیدایش انسان گزارش می‌شود، به طور خلاصه این است که:

- مطابق قرآن، خدا آفرینش انسان را با ساختن آدم علیه السلام از گل آغاز کرد و سپس نسل او را در زمین پراکنده ساخت، حال آنکه نظریه بیشتر تأیید یافته علمی درباره پیدایش انسان این است که انسان در روند انتخاب طبیعی و جهش ژنتیکی از تکامل جانوران پست‌تر پدید آمده است.

- بر پایه قرآن، آفرینش انسان مستقل از دیگر جانوران رخ داده و به طور دفعی توسط خداوند آفریده شده است، حال آنکه بر اساس یافته‌های تجربی، انسان به طور مستقیم از تکامل میمون‌ها و در روندی تدریجی پدید آمده است.

- بر پایه قرآن و روایات، آدم علیه السلام نخستین انسان و نخستین پیامبر است و بنابراین، انسان از ابتدا موحد و دارای اندیشه توحیدی بوده است، در حالی که بر پایه یافته‌های دیرینه‌مردم‌شناسان، گونه انسان هزاران نسل را شامل می‌شود که بیشتر آنان فاقد فرهنگ و اندیشه بوده و بلکه بیشتر «انسان‌نما» بوده‌اند.

۱. دیرینه‌انسان‌شناسی یا دیرین‌مردم‌شناسی که آمیخته‌ای از دو رشته علمی دیرین‌شناسی و انسان‌شناسی فیزیکی است، خاستگاه انسان را مطالعه می‌کند.

۲. البته هنوز نظریه‌های مختلف تکاملی وجود دارد، مانند نظریه منشأ مشترک یا نظریه تدریج‌گرایی، یا نظریه انتخاب طبیعی و یا نظریه گونه‌زایی (مایر، تکامل چیست، ص ۴۱۰) اما این به هیچ وجه واقعیت تکامل را زیر سؤال نمی‌برد. اصل این نظریه امروزه تا جایی مستند شده است که حتی الهی‌دانانی مانند مرتضی مطهری نیز اصل اندیشه تکامل انواع را از نظر علمی غیر قابل انکار دانسته‌اند. (نک: مطهری، مقالات فلسفی، ج ۱: ۶۶)

- بر پایه دیدگاه برخی مفسران، دوران زیست آدم علیه السلام در زمین بایستی در حدود هفت هزار سال پیش باشد، درحالی که مطابق یافته‌های علمی، قدمت انسان به ۲/۵ تا چهار میلیون سال پیش می‌رسد.

نیازی به استدلال نیست که این وضعیت سبب به‌چالش کشیده شدن اعتقادات دینی و اسلامی و درگیری ذهنی متدینان شده است.

از طرفی، پاسخ‌ها و نظریاتی که در این باره داده و می‌دهند، چندان که باید نتوانسته است رضایت طرفین نزاع را فراهم آورد. برخی در این ماجرا بر آن شده‌اند که دین را تخطئه کرده و بگویند: گزاره‌های دینی خرافاتی بی‌اساس است که دورانش تمام شده و باید آن را کنار نهاد و به علم مراجعه کرد. در مقابل، برخی طرف‌داران دین، به تخطئه علم پرداخته و می‌گویند تکامل انواع صرفاً نظریه‌پردازی است و قطعیتی ندارد تا دین را به چالش کشد. گروهی نیز چاره کار را عبور از ظاهر گزاره‌های دینی دیده و معتقد گشته‌اند که گزاره‌های دینی واقع‌نما نیست. از میان اینان، برخی می‌گویند زبان دین، نمادین و اسطوره‌ای است که باید از آن رمزگشایی و اسطوره‌زدایی کرد و حقایق را که با این زبان به رمز و اشاره و کنایه و استعاره بیان کرده‌اند، دریافت. برخی دیگر معتقدند که متون دینی حقایق را متناسب با فهم و درک مردم همان زمان و منطبق با دانش آن‌ها بیان کرده و هرگز نخواستند است تا واقعیات علمی و عینی را توضیح دهد و یا تاریخ‌نگاری یا طبیعت‌شناسی کند و برخی هم این گزاره‌ها را به خواب‌هایی مانند کرده‌اند که نیاز به تعبیر دارد. (سروش، ۱۳۹۷)

گروهی هم زبان دین را زبانی مبتنی بر بازی مختص به خود دانسته‌اند که باید آن را کشف کرد و نباید با زبان علم و یا دیگر مکاتب بشری به فهم و تفسیر آن پرداخت و یا درباره آن حکم کرد. (ویتگنشتاین، ۱۳۹۴)

البته، گروه‌هایی هم به این گراییده‌اند تا اثبات کنند که میان گزارش قرآن از آفرینش انسان با گزارش علم، تعارضی نیست. از این میان، برخی گزارش قرآنی را کلی و قابل جمع با هر دو نظریه ثبات انواع و تکامل انواع دیده‌اند (مشکینی، بی‌تا) و برخی آیات قرآن را بیان دیگری از نظریه تکامل یافته‌اند. (سحابی، ۱۳۵۱) برخی دیگر، مانند شهید مطهری، با طبیعی دانستن فعل خداوند در این جهان و طرح این نظر که خداوند تدبیر و نظم هدایت‌شده را در جهان ایجاد کرده است تا خلقت در مسیر طبیعی خود محقق شود (که اصطلاحاً به آن «جعل بالطبع» می‌گویند)، کوشیده‌اند تا امکان تعارض میان دیدگاه علمی و دینی را از بن منتفی بدانند. (مطهری، ۱۳۷۰، ج: ۱، ۵۲۴-۵۱۳؛ همو، بی‌تا: ۸۳-۶۱؛ همو، ۱۳۶۳: ۲۰۰-۱۶۱؛ به گزارش قراملکی، ۱۳۷۳: ۱۴۹-۱۴۱) این درحالی

است که بیشتر مفسران و از جمله علامه طباطبایی، گزارش قرآنی را بیانگر خلقت مستقل آدم از خاک و معارض با نظریه تکامل دیده‌اند.^۱

همچنین، بیشتر محققان و نویسندگان پس از علامه، دیدگاه ایشان را برگزیده و تقویت کرده‌اند، اما در این اواخر، برخی محققان میان ماجرای آفرینش انسان و آفرینش آدم ﷺ در قرآن تفکیک کرده‌اند و قرآن را در موضوع آفرینش انسان سازگار با یافته‌های علوم تجربی و نظریه تکامل دانسته و در موضوع دوم، یعنی آفرینش آدم ﷺ، خلاف نظریه تکامل انگاشته‌اند، چرا که قرآن را در این خصوص قائل به نوعی آفرینش متمایز و مستقل یافته‌اند. (افضلی، ۱۳۹۱: ۱۳۴-۱۱۳؛ دولت و افضلی، ۱۳۹۴: ۳۱-۱۵)

اگر چه این پژوهش نیز بر آن است که آدم ﷺ نه نخستین انسان، بلکه سرسلسله انسان نوین و نخستین انسان اندیشه‌ورز دارای فطرت توحیدی است که پس از نسل‌های متعدد از انسان‌ها و انسان‌نماها به طور متمایزی توسط خدای متعال آفریده و یا تعالی بخشیده شده است، اما با رد تنها دلیل قرآنی بر دیدگاه پیش گفته، الزامی به پذیرش آفرینش مستقل و متمایز آدم ﷺ ندیده و این امکان را منتفی نمی‌داند که آدم ﷺ در روندی طبیعی و از طریق توالد و تناسل پای به این جهان گذاشته باشد. اما این نوشتار برای توجیه ظواهر قرآن و روایات در خصوص آفرینش دفعی و مستقل آدم ﷺ از گل و خاک با کسانی که زبان قرآن در این داستان را سمبولیک یا خواب‌گونه می‌دانند نیز هم‌داستان نیست، بلکه امکان رخ دادن عینی این وقایع در عالمی دیگر را با شواهد و قرائن قرآنی، روایی سازگارتر می‌یابد.

این بررسی با مرور دستاوردهای دانشمندان علوم تجربی، شامل دستاوردهای زیست‌شناسان و انسان‌شناسان باستان‌شناختی (دیرینه‌مردم‌شناسان) آغاز می‌شود و سپس با بررسی گزاره‌های قرآنی و روایی در باره پیدایش انسان و آدم ادامه خواهد یافت. آن‌گاه، دلایل و شواهد تأیید کننده نظریه آفرینش تکاملی آدم ﷺ به عنوان انسان نوین را آشکار خواهد کرد.

۱. موضع علوم تجربی در باب پیدایش انسان

دستاوردهای علوم تجربی درباره پیدایش انسان عمدتاً محصول کار زیست‌شناسان و انسان‌شناسان باستان‌شناختی است. بنابراین، دیدگاه این دو گروه می‌تواند موضع علوم تجربی را در این موضوع مشخص کند.

۱. برای نمونه، ر.ک: طباطبایی، ۱۳۹۰، مطالب ذیل آیات ۲۱۳ سوره بقره، ۵۹ سوره آل عمران، آیه یکم از سوره نساء و آیه هفتم از سوره سجده و نیز، مکارم شیرازی، ۱۳۵۴، ج ۱۱: ۸۹.

۱.۱. داده‌های زیست‌شناختی (نظریه تکامل انواع)

زیست‌شناسان با تکیه بر یافته‌های فراوانی از سنگواره‌های جانوران به این نتیجه گراییده‌اند که انسان در مسیر تکامل موجودات ساده‌تر، پدید آمده است. «تکامل» یا فرگشت^۱ وقتی در حوزه زیست‌شناسی به کار می‌رود، به معنای دگرگونی در یک یا چند ویژگی فنوتیپ (ویژگی قابل مشاهده) و وراثت است که طی زمان در جمعیت‌های موجودات زنده رخ می‌دهد. (Futuyma, 2005) این نظریه پیدایش گونه‌های پیچیده‌تر، متنوع‌تر و کامل‌تر جانوران، از جمله انسان را با دو اصل انتخاب طبیعی و جهش و نیز انتقال ژنی، توجیه می‌کند.^۲

لازمه قبول تکامل انواع این است که بپذیریم تمام موجودات زنده با همه تنوعی که دارند، از نیاکانی مشترک پدیدار گشته‌اند. (Darwin, 1872: 503) بر این اساس، انسان نیز بایستی از تکامل ناشی از جهش یا انتقال ژنی و اصل انتخاب طبیعی پدید آمده و تکامل یافته باشد. این نظریه که انسان‌ها دارای یک منشأ هستند در کتاب «تبار انسان و انتخاب طبیعی در ارتباط با جنیست»^۳ توسط چارلز داروین (۱۸۷۱) منتشر شد.

اگر چه مطالعه علمی فرگشت (تکامل) از نیمه سده نوزدهم آغاز شد، زمانی که پژوهش‌های صورت گرفته بر روی سنگواره‌ها و گوناگونی جانداران، بسیاری از دانشمندان را متقاعد کرد که می‌بایست گونه‌ها به نحوی تکامل یافته باشند، اما این نظریه تا سال ۱۹۸۰ میلادی به حد کافی مورد قبول واقع نشد، تا اینکه در سال ۱۹۸۰ میلادی بر اساس مطالعه DNA میتوکندریایی با روش‌های امروزی و نیز با شواهد به دست آمده انسان‌شناسی زیستی مطابقت پیدا کرد.^۴

نظریه فرگشت که با شواهد بسیاری پشتیبانی می‌شود، اکنون الگوی حاکم بر زیست‌شناسی نوین است که بر پایه آن بسیاری از واقعیات حیات را توضیح می‌دهند؛ به طوری که به گفته دابژنسکی^۵ «هیچ چیز در زیست‌شناسی جز در پرتو آن معنا نمی‌یابد». (Dobzhansky, 1973: 35) در عین حال، در جزئیات این نظریه اختلاف

۱. Evolution.

۲ به گفته زیست‌شناسان، وقوع تکامل مشروط به وجود زمینه‌ای برای تنوع ژنی در جمعیت است. این زمینه یا بستر تنوع ژن، ممکن است از راه جهش یا نوترکیبی ژنی در درون خود جمعیت پدید آید، چنان‌که ممکن است از جمعیت‌های دیگر منتقل شود، که به «شارش ژن» (روان شدن ژن) شهرت دارد.

۳. Darwin, The Descent of Man, and Selection in Relation to Sex.

۴. برای مطالعه‌ای روشن و سراسر درباره تکامل ر.ک: مایر، ارنست (۱۳۹۹)، تکامل چیست؟، ترجمه سلامت رنجیر.

۵. تئودوسیوس دابژنسکی (زاده در ۱۹۰۰ در اوکراین) از پیشگامان ژنتیک مولکولی.

نظریاتی و پرسش‌های بسیاری هست که نیازمند پاسخ است و همین کار و بار عمده زیست‌شناسان تکاملی را تشکیل می‌دهد. لازم به تأکید است که نظریه تکامل اکنون بیشترین اقبال را در میان دانشمندان و تحصیل‌کردگان علوم تجربی دارد. بر پایه یک تخمین که در سال ۱۹۸۷ صورت گرفت، تنها ۷۰۰ نفر از مجموع ۴۸۰ هزار نفر دانشمندان علوم زیستی و زمین‌شناسی به خلقت‌گرایی (دیدگاه دینی درباره آفرینش) اعتقاد دارند. (Martz & McDaniel, 1987: 23)

۱.۲. داده‌های انسان‌شناسان باستان‌شناختی

دانش انسان‌شناسی باستان‌شناختی از عمر چند میلیون‌ساله انسان بر روی زمین خبر می‌دهد و نیز از تنوع و دگرذیسی نسل‌های انسان سخن می‌گوید. بنا به یافته‌های باستان‌شناختی، عمر موجود زنده بر روی کره زمین چهار میلیارد سال، عمر قدیمی‌ترین آثار حیوانی یک میلیارد سال، قدمت اولین مهره‌داران ۵۰۰ میلیون سال، سابقه پستانداران جنین‌دار، دستکم ۷۰ میلیون سال و عمر انسان راست‌قامت^۱ حدود ۲/۵ تا ۴ میلیون سال است، در حالی که خیلی پیش از آن‌ها، کپی‌ها (میمون انسان‌نما)^۲ از ۲۵ میلیون سال پیش و انسان‌سایبان (خانواده‌ای شامل انسان و شامپانزه) از ۱۳ میلیون سال پیش پدید آمده بودند. (Robert, 2007)

بر اساس یافته‌های دیرینه‌مردم‌شناسان، انسان اندیشه‌ورز (هوموساپینس)^۳ از حدود ۲۵۰ هزار سال (در فاصله ۱۰۰ تا ۳۰۰ هزار سال) پیش پدیدار شده است. از نظر انسان‌شناسان فرهنگی، انسان‌های پیش از هوموساپینس، «انسان‌نما»^۴ تلقی شده‌اند. انسان اندیشه‌ورز به سه زیرگونه انسان اندیشه‌ورز «هوشمند»، انسان اندیشه‌ورز «ایدالتو» و انسان‌های اندیشه‌ورز «باستانی» طبقه‌بندی می‌شود، که دو دسته آخر منقرض گردیده‌اند. بنابراین، انسان امروزی (انسان اندیشه‌ورز هوشمند) تنها عضو خانواده

۱. انسان راست‌قامت (Homo - Erectus) از همان گونه انسان کارورز بوده و از این رو جز مستقیم انسان‌های متأخر یعنی انسان هایدلبرگی، انسان نئاندرتال و انسان اندیشه‌ورز به‌شمار می‌رود.
۲. کپی / kapi (یا میمون انسان‌نما؛ به انگلیسی: Ape) به هر یک از اعضای بالاخانواده انسانواران (نام علمی: Hominoidea) اطلاق می‌شود.

۳. نام علمی انسان اندیشه‌ورز که هوموساپینس (Homo sapiens) است توسط کارل لینه (۱۷۵۸) گذاشته شده، بخش لاتین آن هومو (homo) به معنی انسان و بشر است و ساپینس (sapiens) که واژه‌ای لاتین است، معنی «اندیشه‌ورز» می‌دهد.

۴. نبود عناصر فرهنگی تنها مشکلی است که برای اثبات انسان بودن این نمونه‌ها وجود دارد، به همین دلیل، برای زیست‌شناسان این نمونه‌ها انسان‌اند، اما برای انسان‌شناسان فرهنگی این نمونه‌ها «انسان‌نما» نامیده می‌شود.

هوموساپینس نبوده است. قدیمی‌ترین نمونه این زیرگروه در فلسطین، با قدمت نزدیک به ۱۰۰ هزار سال یافت شده است. اکنون همه شواهد تأیید می‌کند که انسان‌های موجود در کره زمین همگی از دسته انسان اندیشه‌ورز هوشمندند که «انسان نوین» نامیده می‌شود. این نمونه از حدود ۴۰ هزار سال پیش تمام قاره‌ها را به تسخیر خود درآورده و دوران جدیدی در تاریخ زندگی انسان را که به دوره عصر حجر جدید معروف است، آغاز کرده است. مهم‌ترین شاخصه دوران این گونه انسان، پیدایش هنر در جامعه انسانی است. (همان)

نکته‌ای که در برخی نظریات الهیاتی متأخر مغفول واقع می‌شود اشتراک و پیوستگی ژنی میان انسان امروزی با انسان‌های پیشین است. برای نمونه، دست‌کم هفت گونه انسانی نزدیک به انسان امروزی در زمین زندگی می‌کردند که در مواردی با هم همزمانی داشته‌اند و آخرین گروه، یعنی انسان نئاندرتال^۱ که نزدیک‌ترین شباهت‌ها را با انسان امروزی داشت (DNA این گونه فقط ۱۲ دهم درصد با DNA انسان امروزی فرق داشت) و حدود ۳۵ هزار تا ۶۰ هزار سال قبل زیست می‌کرد. همچنین، بر اساس یافته‌های دیرینه‌انسان‌شناسان، نسل کنونی بشر، تا ۶٪ با نسل انسان‌های کرومانیون که اکنون منقرض شده‌اند، اشتراک ژنی دارند. (Green & Kircher: 2010) بنابراین، تا وقتی علل جایگزینی برای این اشتراک ژنی یافت نشود، مشکل بتوان نسل کنونی بشر را به کلی منقطع از نسل‌های پیشین دانست و بلکه باید به همین فرضیه ملتمز شد که این زیرگونه از انسان، از تکامل نسل‌های پیشین پدیدار گشته است.

علاوه بر این، مطالعه مولکولی فرگشت، که یکی دیگر از روش‌های مطالعه فرگشت انسان است و از بررسی کروموزوم Y که از پدر به پسر انتقال می‌یابد استفاده می‌کند، گویای آن است که همه انسان‌های مذکر امروزی یک کروموزوم Y از یک مرد به ارث برده‌اند که تقریباً ۱۴۰ هزار سال پیش در آفریقا زندگی می‌کرده است. به این مرد، آدم کروموزوم Y^۲ می‌گویند. اما، اسپنسر ولز^۳ با تجزیه و تحلیل DNA کروموزوم Y در مردان تمامی مناطق جهان، نتیجه گرفته است که همه انسان‌های زنده از سمت پدری از فرزندان یک شخص خاص هستند که حدود ۶۰ هزار سال قبل در آفریقا زندگی می‌کرده است. (Wells, 2002) آدم کروموزوم Y با تکیه بر ساعت مولکولی و مطالعات نشانگر ژنتیکی احتمالاً بین ۶۰ هزار و ۹۰ هزار سال پیش زندگی می‌کرد. کروموزوم Y

۱ . Neanderthal.

۲ . Y Chromosome Adam.

۳ . نسل‌شناس اهل ایالات متحده آمریکا (زاده ۶ آوریل ۱۹۶۹)

در این نام به این موضوع اشاره می‌کند که این کروموزوم تنها از طرف پدری به فرزندان انتقال پیدا می‌یابد.

به همه این‌ها این حقیقت را نیز باید افزود که اگر چه انسان از تکامل و دگرگونی نخستین‌ها پدید آمده است، اما همچنان بی‌همتا است. ارنست مایر (۱۹۰۴-۲۰۰۵) زیست‌شناسی که عمری طولانی را به موضوع تکامل پرداخته و وی را به لحاظ اهمیتش در زیست‌شناسی، داروین قرن بیستم خوانده‌اند، در کتابش با نام *تکامل چیست* تلاش کرده است تا روند تکامل جانوران و از جمله تکامل انسان از نخستین‌ها را با زبانی ساده توضیح دهد، در نهایت در بخشی از کتاب خود بر بی‌همتایی انسان پای می‌فشرد و می‌گوید:

پیش از اینکه دانشمندان تشخیص دادند میمون‌های انسان‌نما پیش‌گونه‌های انسان بوده‌اند، شمار نویسندگانی که ادعا می‌کردند انسان چیزی ورای حیوان نیست، فزونی گرفت، اما این ادعا به هیچ وجه درست نیست. انسان واقعا همان قدر با دیگر جانوران تفاوت دارد و همان قدر بی‌همتا است که دانشمندان معقول و منقول و فلاسفه از مدت‌ها پیش مدعی آن بودند. این هم مایه مباهات است و هم بار مسئولیت بزرگی بر دوش ماست. (مایر، ۱۳۹۹: ۳۹۳-۳۹۲)

او مهم‌ترین ویژگی‌های متمایزکننده انسان را عبارت از انتقال آموخته‌های فرهنگی از والدین به نوزادان و تکامل زبان، هوشی که از باهوش‌ترین حیوانات هم بسیار فراتر رفته است و مهم‌تر از همه، اخلاق بی‌ریا یا ایثار نسبت به بیگانه، می‌شمارد. (همان: ۳۹۷-۳۹۶ و ۴۰۴-۴۰۰)

۲. آموزه‌های قرآنی، روایی در باره آفرینش نخستین انسان

مانند هر موضوع دیگری، آیات قرآن بیانگر اصل و کلیت موضوع است و روایات در مرحله بعد، آن مطالب را تفسیر کرده و یا تفصیل می‌دهند. بنابراین، در اینجا نیز باید ابتدا کلیت و اصل موضوع را از قرآن استخراج کنیم و سپس از روایات در تفسیر و تفصیل بیشتر آن مدد جوییم.

۲.۱. داده‌های قرآنی در باب آفرینش نخستین انسان

به نظر می‌رسد آنچه به طور سنتی درباره آفرینش نخستین انسان از قرآن گزارش می‌شود، همه آن چیزی نباشد که قرآن می‌گوید و بلکه در برخی موارد خلاف دیدگاه قرآن است. با تدبر در آیات قرآن به حقایق دست می‌یابیم که گاه مغفول واقع شده و گاه نادیده گرفته می‌شود. در ادامه به برخی از این حقایق می‌پردازیم که از قضا در بیرون‌رفت از چالش علم و دین در موضوع آفرینش انسان نقش دارد.

۲. ۱. ۱. آفرینش متمایز و خاص

از برخی آیات قرآن چنین برمی آید که آدم علیه السلام را خداوند با خلقتی متمایز و مستقل از هر موجود دیگری آفریده است. مطابق آیه‌ای از قرآن، خداوند می گوید که آدم علیه السلام را «با دستان خودم» خلق کردم: «قَالَ يَا إِبْلِيسُ مَا مَنَعَكَ أَنْ تَسْجُدَ لِمَا خَلَقْتُ بِإِيْدِي أَسْتَكْبِرْتَ أَمْ كُنْتَ مِنَ الْعَالِينَ»؛ گفت: ای ابلیس! چه چیز مانع تو شد که بر آنچه که با دو دست خود آفریدم سجده کنی! آیا تکبر کردی، یا از برتر آن بودی؟ (ص: ۷۵) ظاهر ابتدایی این آیه بر این دلالت می کند که خدا انسان را با دستان خود و به صورت متمایز از دیگر موجودات آفریده است. اما از آنجا که می دانیم خدا جسم نیست و دست ظاهری ندارد، عبارت «خَلَقْتُ بِإِيْدِي» باید تاویل شود و با وجود برخی روایات، این احتمال که این عبارت را استعاره از دخالت دو عامل قدرت^۱ در خلقت انسان و نیز بیانی غیر مستقیم از نسبت ویژه این مخلوق با خالقش بدانیم^۲ قوت می گیرد.

۲. ۱. ۲. آفرینش از خاک و آب

قرآن در برخی دیگر از آیات، موضوع را بازتر کرده و از آفرینش انسان از گل سخن گفته است: «الَّذِي أَحْسَنَ كُلَّ شَيْءٍ خَلَقَهُ وَبَدَأَ خَلْقَ الْإِنْسَانِ مِنْ طِينٍ ثُمَّ جَعَلَ نَسْلَهُ مِنْ سُلالَةٍ مِنْ مَاءٍ مَهِينٍ»؛ همان کسی که هر چیزی را که آفرید، نیکو آفرید و آفرینش انسان را از گل آغاز کرد، سپس [تداوم] نسل او را از چکیده آبی پست مقرر فرمود. (سجده: ۷-۸)

این آیه چنان می نماید که آفرینش انسان ابتدا از گل و به صورت دفعی و متمایز از دیگر موجودات بوده و بعد از آفرینش نخستین، ادامه نسل او را از راه تولد قرار داده

۱. در روایت است که امام صادق علیه السلام درباره این آیه فرمود: «... أَلَيْكُمُ الْقُدْرَةُ كَقَوْلِهِ وَ أَيْدِيكُمْ بِبَصْرِهِ...» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۳: ۲۸۷) در تفاسیر نیز به کار گرفتن دو دست برای انجام کاری را نشانه به کار گرفتن قدرت یا اهتمام و علاقه به انجام آن دانسته و ذکر این تعبیر در آیه یاد شده را کنایه از عنایت مخصوص پروردگار و اعمال قدرت مطلقه وی در آفرینش انسان تلقی کرده اند. (مکارم شیرازی، ۱۳۵۴، ج ۱۹: ۳۳۸-۳۳۷)

۲. در روایت از امام صادق علیه السلام نقل است که فرمود: «اگر خداوند متعال همه آفریدگان را با دست خود می آفرید، آفرینش آدم علیه السلام را با دست خود، حجت نمی گرفت تا بگوید: مَا مَنَعَكَ أَنْ تَسْجُدَ لِمَا خَلَقْتُ بِإِيْدِي، آیا می پنداری خداوند همه چیز را با دست خود برمی انگیزد؟» عبارت روایت از این قرار است: «أَبِي بصير عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ لَوْ أَنَّ اللَّهَ خَلَقَ الْخَلْقَ كُلَّهُمْ بِإِيْدِيهِ لَمْ يَحْتِجْ فِي آدَمَ أَنَّهُ خَلَقَهُ بِإِيْدِيهِ فَيَقُولَ مَا مَنَعَكَ أَنْ تَسْجُدَ لِمَا خَلَقْتُ بِإِيْدِي أَفْتَرَى اللَّهَ يَبْعَثُ الْأَنْبِيَاءَ بِإِيْدِيهِ.» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴: ۱)

است. در چند آیه دیگر، حتی از ویژگی آن گل نیز سخن گفته و فرموده است که آن کلوخ یا سفالی بوده که از گلی بدبو آماده شده بود:

«وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ صَلْصَالٍ مِنْ حَمَإٍ مَسْنُونٍ»؛ و در حقیقت، انسان را از گلی خشک، از گلی سیاه و بدبو، آفریدیم. (حجر: ۲۶)

«وَ إِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي خَالِقٌ بَشَرًا مِنْ صَلْصَالٍ مِنْ حَمَإٍ مَسْنُونٍ»؛ و [یاد کن] هنگامی را که پروردگار تو به فرشتگان گفت: «من بشری را از گلی خشک، از گلی سیاه و بدبو، خواهم آفرید». (حجر: ۲۸)

«قَالَ لَمْ أَكُنْ لِأَسْجُدَ لِبَشَرٍ خَلَقْتَهُ مِنْ صَلْصَالٍ مِنْ حَمَإٍ مَسْنُونٍ»؛ گفت: «من کسی نیستم که برای بشری که او را از گلی خشک، از گلی سیاه و بدبو، آفریده‌ای، سجده کنم». (حجر: ۳۳)

و در برخی آیات فقط به صورت ثانویه گل انسان اشاره کرده و آن به سفال تشبیه کرده است:

«خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ صَلْصَالٍ كَالْفَخَّارِ»؛ انسان را از گل خشکیده‌ای سفال‌مانند، آفرید. (الرحمن: ۱۴)

و از ظاهر برخی آیات چنین برمی‌آید که این آفرینش به این گونه بوده که ابتدا صورتی از انسان از همین ماده طبیعت (حماً مسنون: گل بدبوی) پرداخته است و پس از خشک شدن، از روح خود در آن دمیده و سپس به ملائک امر کرده است تا بر او سجده آورند: «فَإِذَا سَوَّيْتَهُ وَ نَفَخْتَ فِيهِ مِنْ رُوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ»؛ پس چون او را [به‌طور کامل] درست کردم و از روح خویش در آن دمیدم، سجده‌کنان برای او [به خاک] درآفتید. (حجر: ۲۹؛ ص: ۲۹)

اگر چه ظاهر این آیات گواه بر این است که آفرینش انسان به صورت دفعی و مانند ساختن یک پیکر سفالینه از گل بوده است، اما همان گونه که در آیه پیشین، به دلیل عقلی (اینکه خدا دست ندارد) و دلیلی نقلی (روایاتی که موضوع آفرینش با «دو دست خود» را استعاره از قدرت و نسبت ویژه میان انسان و خدا دانسته بود)، از ظاهر آیه عبور کردیم و «دست» را استعاره از قدرت خدا دانستیم، اگر اثبات شود که آفرینش انسان تدریجی و تکاملی بوده است، باید مجاز باشیم که دست از ظاهر آیاتی که آفرینش آدم ﷺ در این عالم را دفعی و مستقل از جانداران دیگر می‌نماید، برداریم.

اما اکنون، با یافته‌های دانش زیست‌شناسی و دانش دیرینه‌مردم‌شناسی، تکاملی بودن پیدایش و تنوع جانوران و از جمله انسان، در حدی تأیید یافته است که به سادگی و بدون

تکلف نمی‌توان در آن تردید کرد. بنابراین، الهی‌دان مسلمان راهی ندارد جز اینکه مراد دیگری جز این ظاهر را برای آیه یاد شده برشناسد. همان‌گونه که یاد شد، برخی اندیشمندان مسلمان در حل این مسئله دست به تأویل یازیده و تعبیر «آغازیدن آفرینش از گل» را گفتاری کنایی دانسته‌اند که غیر مستقیم به بیان مبدأ و مایه اولیه آفرینش انسان که از خاک و آب است دانسته‌اند. بر پایه چنین رویکردی حتی می‌توان «گل» را اشاره به سوپ بنیادین یا هر مواد اولیه‌ای تلقی کرد که نخستین تک‌سلولی‌ها به احتمال از آن پدید آمده‌اند.

از قضا، در آیات دیگری که به آفرینش انسان مربوط می‌شود، به جای گل، از واژه «تراب» به معنای «خاک» استفاده کرده است، که می‌تواند مؤید این باشد که «گل» موضوعیت نداشته و اشاره به ماده اصلی فیزیک ما آدمیان است. شاهد دیگری که می‌تواند این برداشت را تا حدودی تقویت کند این است که در این آیات آفرینش همه انسان‌ها - فقط حضرت آدم علیه السلام - را از خاک دانسته است، حال آنکه مخاطبان قرآن می‌دانسته‌اند که خداوند انسان‌ها را مستقیماً از خاک یا گل نیافریده است و نمی‌آفریند. در این آیات می‌خوانیم: ﴿وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ إِذَا أَنْتُمْ بَشَرٌ تَنْتَشِرُونَ﴾؛ و از نشانه‌های او این است که شما را از خاک آفرید پس به ناگاه شما [به صورت] بشری هر سو پراکنده شدید. (روم: ۲۰) یا فرموده است: ﴿مِنْهَا خَلَقْنَاكُمْ وَ فِيهَا نُعِيدُكُمْ وَ مِنْهَا نُخْرِجُكُمْ تَارَةً أُخْرَى﴾؛ یعنی از این [زمین] شما را آفریده‌ایم، در آن شما را بازمی‌گردانیم و بار دیگر شما را از آن بیرون می‌آوریم. (طه: ۵۵) و یا می‌فرماید: ﴿وَ اللَّهُ أَنْتَبَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ نَبَاتًا ثُمَّ يُعِيدُكُمْ فِيهَا وَ يَخْرِجُكُمْ إِخْرَاجًا﴾؛ سپس شما را در آن بازمی‌گرداند و بیرون می‌آورد، بیرون آوردنی [عجیب]. (نوح: ۱۸-۱۷)

اما مشکلی که در کنایی و استعاری دانستن این گزاره‌های قرآنی هست اینکه نوع گزارش قرآن در این آیات چنان است که گویی این ماجراها عیناً تحقق یافته است؛ درحالی‌که اگر دست از ظاهر آیاتی که بر آفرینش دفعی آدم علیه السلام از گل و با دست خدا دلالت می‌کند، کشیده و آن‌ها را حکایت از آفرینش از مواد طبیعی زمین و یا استفاده از عوامل قدرت خدا، همچون گردش ایام و شب و روز و دیگر عوامل طبیعی تلقی کنیم، در حقیقت وقوع این حوادث را به کلی منکر می‌شویم. بنابراین، الهی‌دانان مسلمان ناچار برای برون‌رفت از این چالش بایستی راه حل دیگری بیابند.

همین سبب شده است تا برخی دیگر از اندیشمندان مسلمان، با وجود تلقی به قبول کردن اصل نظریه تکامل، منطقی‌تر خود را مجاز نبینند که دست از ظاهر قرآن مبنی بر آفرینش دفعی آدم علیه السلام بکشند و بر این شده‌اند که خداوند در مقطعی از تاریخ آدم علیه السلام را به طور متمایز و مستقل از دیگر موجودات در همین زمین آفریده است، زیرا از نظر عقلی،

هیچ منعی وجود ندارد که خدا جاننداری را به صورت دفعی و متمایز از دیگر جاندران پدید آورده و در زمین ساکن کرده باشد و علم نیز درباره وقوع چنین معجزه‌ای نفیاً و اثباتاً نمی‌تواند اظهار نظر کند. (افضلی، پیشین؛ دولت و افضلی، پیشین)

اما همان‌طور که در شرح دستاوردهای تجربی یاد شد، دانش زیست‌شناسی و ژنتیک شواهد غیر قابل تردیدی بر این واقعیت یافته است که میان ژن‌های انسان و شامپانزه‌ها اشتراک ژنی بسیار زیادی وجود دارد و از طرفی میان انسان امروزی و گونه منقرض شده انسان‌ها، مانند نتاندرتال‌ها و انسان کرومانیون نیز اختلاف ژنی بسیار کمی هست. این شواهد این فرض را تقویت می‌کند که نسل انسان امروزی متصل به نسل انسان‌های پیش از خود و دیگر انسانیان است و انقطاع ژنی قابل ملاحظه‌ای در این میان نیست. اما اگر آن‌طور که برداشت سنتی از گزارش آفرینش آدم علیه السلام در قرآن می‌گوید، آدم و حوا به عنوان سرسلسله انسان امروزی به طور مستقل و خارج از چارچوب تکامل جانداران پدید آمده باشند، بایستی انقطاع و تفاوت ژنی قابل ملاحظه‌ای را از خود نشان دهند، که چنین نیست.

از طرفی، این احتمال که حتی در فرض خلقت دفعی و مستقل نیز خداوند می‌توانسته آدم علیه السلام را با ترکیب ژنی مشابه با انسان‌های پیشین بیافریند، سبب می‌شود که اشتراک ژنی میان بنی‌آدم و نسل‌های پیش دلیل قاطعی بر اتصال این نسل با گذشتگان تلقی نشود. اما باید گفت اگرچه این احتمال سبب می‌شود تا قطعیت استدلال به اشتراک ژنی از دست برود، اما احتمالی نیست که چندان از ارزش اقناعی آن بکاهد؛ به ویژه اینکه، فرض مقابل، یعنی انقطاع نسلی آدم علیه السلام از نسل‌های پیش و آفرینش دفعی او نیز قطعیتی بیش از این ندارد و تنها مؤید آن ظاهر ابتدایی آیاتی از قرآن است که آن هم با شواهد و قرائنی که ذکر می‌شود، قابل عدول است.

اما استدلال برخی محققان (افضلی، ۱۳۹۱: ۱۱۷-۱۱۶) به آیه ۵۹ آل عمران، به عنوان تنها آیه‌ای که ممکن است علیه این نظریه و به نفع آفرینش دفعی و مستقل آدم علیه السلام به آن استدلال کنند،^۱ موجه نمی‌نماید، زیرا تشبیه عیسی به آدم در این آیه تشبیه از همه جهات نیست، وگرنه بایستی عیسی علیه السلام نیز مانند آدم از خاک و گل آفریده شده باشد، بلکه این تشبیه صرفاً برای بیان یک وجه شباهت، یعنی اعجازی و خاص بودن آفرینش عیسی

۱. تفاسیر قرآن به زمینه این ماجرا که مناظره مسیحیان نجران با پیامبر صلی الله علیه و آله بوده است، پرداخته‌اند. از جمله ر. ک: مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱: ۲۹۰)

و آدم و نوعی جدل احسن و الزام مخالف به مقبولات خود است، چنان که از نحوه بیان این ماجرا در برخی روایات نیز همین استنباط می‌شود.^۱ علاوه بر این، ما اگر احتمال دهیم که گزارش‌های قرآنی از آفرینش آدم ﷺ مربوط به مراحل قبل از تحقق عینی او در این عالم، یعنی عوالم پیشاتحقیق، مانند عالم ذر و میثاق^۲ باشد - چنان که قرائن و شواهدی از خود قرآن و روایات بر این مطلب هست - دیگر الزامی نداریم تا معتقد شویم همه آنچه در ماجرای آفرینش آدم ﷺ در قرآن بیان شده است، عیناً در این عالم نیز رخ داده است و بنابراین، می‌توان گفت که آفرینش آدم در این عالم در قالب خلقتی طبیعی و از طریق تولد و تناسل تحقق یافته است و آدم ﷺ برگزیده خدا از میان دیگر انسان‌های نسل خود و نیای انسان امروزی بوده است.

۲. ۱. ۳. وجود انسان‌هایی پیش از آدم ﷺ

از دیگر حقایقی که از برخی آیات قرآن به طور ضمنی استفاده می‌شود این است که پیش از آدم ﷺ و فرزندان او انسان‌هایی زندگی می‌کرده‌اند، بنابراین به خلاف آنچه عموماً تصور می‌کنند، آدم ﷺ نخستین انسان نبوده است. در قرآن، حکایت گفتگویی میان خدا و ملائک است که بر اساس آن ملائک از ویژگی‌های انسان و اینکه او در زمین فساد برپا می‌کند و خون می‌ریزد آگاه بوده‌اند و همین را دلیل مخالفت یا پرسش اعتراض‌آمیز خود نسبت به آفرینش انسانی دیگر عنوان کرده‌اند: ﴿وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً قَالُوا أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ وَنَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَنُقَدِّسُ لَكَ قَالَ إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ﴾؛ و چون پروردگارت بر فرشتگان گفت: من می‌خواهم در زمین جانشینی قرار دهم، فرشتگان گفتند آیا می‌خواهی در روی زمین موجودی قرار دهی که فساد کند و خون‌ها بریزد، با اینکه ما تو را به پاکی می‌ستاییم و

۱. از جمله نگاه کنبد به روایتی از امام صادق ﷺ در بحار الأنوار، ج ۲۱، ص ۳۴۰: «أَنَّ نَصَارَى نَجْرَانَ لَمَّا وَقَدُوا عَلَى رَسُولِ اللَّهِ ﷺ ... قَالُوا لَهُ إِيَّايَ مَا تَدْعُو فَقَالَ إِيَّايَ شَهِدَهُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَمِّي رَسُولُ اللَّهِ وَ أَنْ عِيسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ عَبْدُ مَخْلُوقٍ يَأْكُلُ وَ يَشْرَبُ وَ يُحَدِّثُ قَالُوا فَمَنْ أَبُوهُ فَنَزَلَ الْوَحْيُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ ﷺ فَقَالَ قُلْ لَهُمْ مَا يَقُولُونَ فِي آدَمَ كَانَ عَبْدًا مَخْلُوقًا يَأْكُلُ وَ يَشْرَبُ وَ يُحَدِّثُ وَ يَنْكِحُ فَسَأَلَهُمُ النَّبِيُّ ﷺ فَقَالُوا نَعَمْ فَقَالَ فَمَنْ أَبُوهُ فَبَقُوا سَاتِكِينَ فَأَنْزَلَ اللَّهُ إِنَّ مَثَلَ عِيسَى عِنْدَ اللَّهِ كَمَثَلِ آدَمَ».

۲. اینکه این عالم پیشاتحقیق، که قرآن از آن به «ملا اعلی» یاد کرده و در روایات از آن با عنوان عالم ذر یا میثاق یاد می‌شود، دقیقاً چیست و چه ماهیتی دارد، موضوع مستقلی است که پرداختن به آن نه مجال این مقال است و نه برای پیشبرد این مبحث ضرورتی دارد. تنها چیزی که در خصوص این عالم باید گفت این است که با توجه به نوع گزارش قرآن، حوادث و وقایع یاد شده درباره آفرینش آدم، در هر عالمی و از هر جنسی که هست، کاملاً جنبه عینی دارد، نه اینکه صرفاً در نفس نبی یا در رؤیای او شکل گرفته و یا که بیانی تمثیلی از حقیقتی بدون صورت باشد.

تقدیس می‌گوییم؟ خداوند فرمود: من چیزهایی می‌دانم که شما نمی‌دانید. (بقره: ۳۰) کمی بعد خواهیم گفت که این حقیقت که پیش از آدم ﷺ انسان‌هایی بوده‌اند، از روایات نیز تأیید می‌پذیرد.

۲. ۱. ۴. انقراض نسل‌های دیگر بجز بنی آدم

از دیگر داده‌های قرآنی در موضوع نسل کنونی بشر این است که این نسل همه از فرزندان آدم ﷺ اند. این حقیقت را از آنجا می‌توان دریافت که در چند آیه از قرآن کریم (ر. ک: اعراف: ۲۶-۲۷، ۳۱، ۳۵ و ۱۷۲؛ اسراء: ۷۰؛ یس: ۶۰) از نسل کنونی بشر با عنوان «بنی آدم» یاد شده است. (دولت و افضل، ۱۳۹۴: ۱۷) بعداً خواهیم دید که این موضوع را در روایات نیز با صراحت بیشتری تأکید کرده‌اند.

۲. ۲. داده‌های روایی در باب آفرینش انسان

همان‌گونه که یاد شد، روایات با صراحت و تفصیل بیشتری موضوع آفرینش آدم ﷺ را گزارش کرده‌اند. در این گزارش، علاوه بر بسط بیشتر داستان، صراحت بیشتری نسبت به بعضی از اشارات قرآنی دیده می‌شود.

۲. ۲. ۱. تصریح روایات وجود انسان‌های پیش از آدم ﷺ

روایات با تصریحی بیشتر از قرآن از وجود نسل‌ها متعددی از انسان‌ها پرده برمی‌دارد که پیش از آدم ﷺ در زمین می‌زیسته‌اند. در برخی روایات تأیید کرده‌اند که قبل از دوره کنونی، دوره‌های دیگری بر نوع انسان گذشته است که ملائک از خونریزی و فساد آنان اطلاع داشته‌اند. صاحب تفسیر المیزان در ذیل این آیه شریفه به روایت مشهوری از امام باقر ﷺ اشاره می‌کند (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۴: ۲۳۱-۲۳۱، ۲۲۵-۲۲۴؛ همان، ج ۱۶: ۳۸۸-۳۸۴) و به همین نتیجه می‌گراید. بخشی از آن روایت چنین است: «سمعت ابا جعفر ﷺ يقول: «لَقَدْ خَلَقَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ فِي الْأَرْضِ مِنْدُ خَلَقَهَا سَبْعَةَ عَالَمِينَ لَيْسَ هُمْ وَوَلَدَ آدَمَ خَلَقَهُمْ مِنْ الْأَرْضِ فَأَسْكَنَهُمْ فِيهَا وَاحِدًا بَعْدَ وَاحِدٍ مَعَ عَالَمِهِ ثُمَّ خَلَقَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ آدَمَ أَبَا هَذَا الْبَشَرِ وَ خَلَقَ ذُرِّيَّتَهُ مِنْهُ...»؛ خدای عز و جل از زمانی که زمین را آفرید، هفت دسته مردمان را بر روی آن آفرید که هیچ‌کدام از فرزندان آدم نبودند. آن‌ها را از ادیم زمین (خاک روی زمین) آفرید و در آن یکی پس از دیگری با عالم خود (شاید مراد از این، «شرایط ویژه خود» باشد) سکنی داد. سپس خدای عز و جل، پدر این بشر را آفرید و ذریه‌اش را نیز از وی خلق کرد. (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۸: ۳۷۴)

علاوه بر این حدیث، احادیث دیگری نیز از هست که همین موضوع را به بیان دیگری تأیید می‌کند. از جمله در روایت دیگری از حضرت امام صادق ﷺ نقل کرده‌اند که فرمود:

«... لَعَلَّكَ تَرَىٰ أَنَّ اللَّهَ إِنَّمَا خَلَقَ هَذَا الْعَالَمَ الْوَاحِدَ وَ تَرَىٰ أَنَّ اللَّهَ لَمْ يَخْلُقْ بَشَرًا غَيْرَكَمْ بَلَىٰ وَ اللَّهُ لَقَدْ خَلَقَ اللَّهُ أَلْفَ عَالَمٍ وَ أَلْفَ أَلْفِ آدَمٍ أَنْتَ فِي آخِرِ تِلْكَ الْعَوَالِمِ وَ أَوْلَيْكَ الْأَدَمِيِّينَ»؛ شاید شما فکر می‌کنید که خداوند تنها همین یک جهان را آفریده و جز شما بشری نیافریده است، چرا! به خدا قسم که خداوند هزاران هزار عالم و هزاران هزار آدم آفریده است که شما در آخر این عوالم و آخر این آدمیان قرار دارید. (صدوق، ۱۳۵۷: ۲۷۷) البته ممکن است گفته شود با توجه به صحبت از عوالم متعدد در این روایت، این سخن مربوط به جهان‌های پی‌درپی و یا در عرض هم است و بنابراین، نمی‌توان آن را شاهد بر وجود انسان‌های پیش از آدم علیه السلام در این زمین دانست. با وجود این، نمی‌توان این احتمال را ضعیف دانست که روایت مذکور دامنه‌ای گسترده‌تر از این داشته و به موضوع آدمیان پیش از آدم در این زمین نیز نظر دارد.

بر اساس همین دسته روایات، برخی از محققان مسلمان (سبحانی، ۱۳۸۳، ج ۴: ۹۴؛ قریشی، ۱۳۶۷، ج ۱: ۵۰-۴۹) معتقد شده‌اند که پیش از حضرت آدم علیه السلام انسان‌های دیگر بر روی زمین زندگی می‌کرده‌اند که نسلشان منقرض گشته است. (شواهد روایی بر انقراض نسل‌های پیش از آدم علیه السلام را در ادامه خواهیم خواند.)

۲.۲.۲. انقراض نسل‌های پیش از آدم علیه السلام

از برخی روایات استفاده می‌شود که انسان‌های پیش از آدم علیه السلام که کاملاً هم انسان نبوده و بلکه چیزی میان انسان و حیوان بوده‌اند، به‌تمامی از میان رفته‌اند. بنا بر برخی از روایات، خداوند هفتاد هزار سال پیش از بنی آدم، موجوداتی به نام «سناس» را خلق کرده بود که قبل از خلقت آدم علیه السلام از بین رفتند. (صدوق، ۱۳۸۵، ج ۱: ۱۰۴) چنان که یاد شد، علامه طباطبایی (۱۳۸۲، ج ۴: ۱۴۰) با تکیه بر همین روایات، برداشت مذکور از آیه را تأیید کرده‌اند. در تفسیر تسنیم آمده است که «انسان‌های فراوانی قبل از آدم علیه السلام به دنیا آمده و منقرض شده‌اند، ولی آدم از نسل هیچ کدام از آنان نبوده است.» (جوادی آملی، ۱۳۷۸، ج ۳: ۵۱۲)

اگر چه با وجود این شواهد می‌توان با اطمینان بر این نظریه پای فشرده که آدم علیه السلام نخستین انسان نبوده و بلکه نیای انسان امروزیین بوده، اما هنوز مفسران و محققان مذکور بر این باورند که آفرینش آدم علیه السلام مستقل از نسل‌های انسانی و دیگر جانوران بوده است و حتی برخی محققان، آموزه‌های قرآنی-روایی درباره آفرینش آدم پس از سناس را دیدگاهی در برابر نظریه تکامل می‌دانند. (افضلی، پیشین) اما همان‌گونه که پیش‌تر یاد شد، تحقیقات نشان می‌دهد که میان انسان امروزی با نسل‌های گذشته اشتراک ژنی قابل ملاحظه‌ای وجود داد. بنابراین، این روایات می‌تواند اشاره به همان انسان‌ها باشد

که در روند تکاملی و با یک جهش ژنی، نسلی را پدید آورده‌اند که آماده پذیرش عناصر فرهنگی مانند توحید باشد.

۳.۲. گزارش آفرینش آدم در روایات

کسی که روایات مربوط به آفرینش انسان را می‌نگرد، معمولاً به سختی می‌تواند بپذیرد که مطالب این روایات با آفرینش طبیعی و تکاملی انسان سازگار باشد. سبب این مسئله این است که برخی از این روایات بدون هیچ اشاره‌ای به موطن و فضای ماجرا، صرفاً به ذکر واقعه آفرینش از خاک می‌پردازند. برای نمونه، روایت منقول از امام علی علیه السلام درباره نحوه آفرینش آدم علیه السلام را می‌توان یاد کرد که می‌گوید:

آن‌گاه خدای سبحان، از زمین درشتناک و از زمین هموار و نرم و از آنجا که زمین شیرین بود و از آنجا که شوره‌زار بود، خاکی برگرفت و به آب بشست تا یک‌دست و خالص گردید. پس نمناکش ساخت تا چسبنده شد و از آن پیکری ساخت دارای اندام‌ها و اعضا و مفاصل و خشکش کرد تا خود را بگرفت چونان سفالینه و تا مدتی معین و زمانی مشخص سختش گردانید. آن‌گاه از روح خود در آن بدمید. آن پیکر گلین که جان یافته بود، از جای برخاست که انسانی شده بود با ذهنی که در کارها به جولانش درآورد و با اندیشه‌ای که به آن در کارها تصرف کند و عضوهایی که چون ابزارهایی به کارشان گیرد و نیروی شناختی که میان حق و باطل فرق نهد و طعم‌ها و بوی‌ها و رنگ‌ها و چیزها را دریابد. معجونی سرشته از رنگ‌های گونه‌گون، برخی همانند یکدیگر و برخی مخالف و ضد یکدیگر. چون گرمی و سردی، تری و خشکی او اندوه و شادمانی. (نهج البلاغه، خطبه ۱)

اما، اگر با دقت و تعمق بیشتری در این دست روایات بنگریم متوجه خواهیم شد که روایات نیز مانند قرآن، دربردارنده مطالبی هستند که نشان می‌دهد موضوع آفرینش آدم علیه السلام از گل، گزارشی از آن چیزی است که در عوالم پیشاتحقیق رخ داده است و عیناً در این عالم رخ نداده تا آفرینش آدم علیه السلام در این جهان خلاف روند طبیعی آفرینش دیگر موجودات بوده باشد. از جمله شواهد روایی در این باره این است که در شماری از روایات، مانند قرآن، آفرینش فرزندان و نسل آدم را نیز، مانند آدم علیه السلام از خاک و گل گزارش می‌کنند، درحالی که می‌دانیم آفرینش ما در جهان طبیعت در چارچوب قوانین طبیعی این عالم و روند توالد و تناسل است. از جمله در روایتی می‌خوانیم که امام صادق علیه السلام فرمود: هنگامی که خداوند عز و جل اراده کرد حضرت آدم علیه السلام را بیافریند، آب را بر روی خاک ریخت و سپس مستی از آن را بر گرفت و مالش داد و بعد از آن، انسان‌ها را آفرید و آنان به ناگاه به جنبش درآمدند. (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۲: ۷)

و در روایتی دیگر از امام باقر علیه السلام نقل است که فرمود خداوند عزوجل یک مشت از خاک زمینی که حضرت آدم علیه السلام را از آن آفرید، برگرفت و سپس روی آن آب گوارا ریخت و آن را چهل روز به حال خود رها کرد و سپس روی آن آب شور و تلخ ریخت و چهل روز آن را به حال خود رها کرد. پس هنگامی که آن گل خمیر شد، آن را گرفت و به شدت مالش داد. آن گاه انسان‌ها مانند ذراتی از آن خارج شدند. (همان)

و در روایت دیگری از امام باقر علیه السلام نقل شده است که: خداوند از خاک سطح زمین گلی را برگرفت و آن را به شدت مالش داد. پس به ناگاه آنان مانند ذراتی (پدیدار شدند و) به جنبش درآمدند. (همان، ج ۲: ۶)

چنان که می‌بینیم، ادبیات این روایات با ادبیات داستان آفرینش خود حضرت آدم علیه السلام مشابه است و ما دلیلی نداریم که این دو را از هم تفکیک کرده و آیات و روایات مربوط به آفرینش بنی آدم را به دلیل آنکه می‌دانیم آدمیان در روند توالد و تناسل طبیعی به دنیا می‌آیند، تأویل کنیم و آیات و روایات مربوط به آفرینش آدم علیه السلام را بر همان ظاهرش حمل کنیم. از طرفی، گزارش خلقت آدم علیه السلام در این دسته روایات چنان زمینی و عینی است که مجال هیچ تأویلی را نمی‌دهد و به سادگی نمی‌توانیم ماجرای آفرینش آدم علیه السلام در قرآن را تمثیلی، اسطوره‌ای و یا خواب‌گونه بینگاریم. اما با تکیه بر شواهد و قرائنی که از قرآن و دیگر روایات بیان شد، به قوت می‌توان احتمال داد که داستان آفرینش در قرآن و روایات، ناظر به زمان تاریخی و مکان طبیعی نبوده و اشاره به فضایی و رای تاریخ و طبیعت است. به این گونه، ما بدون آنکه به تأویل این روایات یا نمادین دانستن گزارش آن‌ها بپردازیم، می‌توانیم همین گزارش را بعینه باور کنیم، با این ملاحظه که تمامی این وقایع را صورت آن چیزی بدانیم که در عالمی دیگر که آن را «ملاً اعلی» (ص: ۶۹) یا «عالم ذر» (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۲: ۷-۶) و یا «عالم میثاق» (همان: ۱۲) خوانده‌اند، بدانیم که سپس در روندی طبیعی در این عالم مادی محقق شده است.

۲. ۱. ۳. عقل، وجه تمایز بنی آدم از انسان‌های پیشین

حقیقت دیگری که در روایات آشکار می‌شود این است که تمایز بنی آدم از نسل‌های گذشته، در داشتن نوعی عقل قدسی شهودی است. از جمله در دو روایت زیر این شواهد را می‌توان به وضوح دریافت:

در نخستین روایت از امام باقر علیه السلام نقل کرده‌اند که فرمود هنگامی که خداوند می‌خواست انسان‌ها را بیافریند... گلی را از سطح زمین برگرفت و به شدت مالش داد... و آنان مانند ذراتی به جنبش درآمدند... سپس فرمود: آیا من پروردگار شما نیستم، پاسخ دادند. (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۲: ۸)

همچنین، در روایتی راوی از امام صادق علیه السلام می‌پرسد انسان‌ها چگونه درحالی‌که به صورت ذره بودند (به پرسش پروردگار دربارهٔ ربوبیتش) پاسخ دادند؟ و آن حضرت در پاسخ می‌گوید: خدا در آن‌ها چیزی قرار داد که هنگام پرسش از آنان در [عالم] میثاق، پاسخ او را دادند. (همان: ۱۲)

و در بخشی از یک روایت نقل شده است که امام علی علیه السلام فرمود: هنگامی که خداوند سبحان آدم را آفرید، پشت او را دست کشید و فرزندان او را به شکل ذراتی از صلب وی خارج کرد و به آنان عقل عطا کرد و از آن‌ها اقرار گرفت که او ربّ است و آنان بنده‌اند. آن‌ها هم به ربوبیت او اعتراف کردند و بر بندگی خود گواهی دادند. (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۹۶: ۲۱۷)

همان‌گونه که یاد شد این دست روایات گواهی می‌دهد که در دیدگاه این سنت، نسل امروزی انسان‌ها از دیگر موجودات و حتی از دیگر انسان‌های پیش از خود با ویژگی اندیشه و تعقل متمایز شده‌اند. این روایات علاوه بر این، احتمال این را که ماجرای آفرینش آدم علیه السلام در عالمی دیگر - که گاه از آن به «عالم ذر» و یا «عالم میثاق» و غیر آن یاد می‌شود- و نه در این عالم طبیعت رخ داده باشد تقویت می‌کند.

نتیجه‌گیری

مطابق شواهد قرآنی و روایی که در این نوشتار بررسی شد، آدم علیه السلام نه نخستین انسان است و نه الزاماً از غیر روند طبیعی پیدایش موجودات در این زمین پدیدار گشته است، بلکه او نخستین انسان نوین بوده است و اگر چه در حقیقت، خلقتی متمایز و مستقل دارد و حتی در عالم مادی نیز نسبت به نسل‌های پیش از خود جهشی فوق‌العاده در ویژگی‌های هوشی و فرهنگی و بویژه عقلی داشته است، اما به هر حال ممکن است در روند قوانین همین عالم پا به جهان طبیعت گذاشته باشد. این بررسی آشکار کرد که از منظر تفسیری هیچ منعی ندارد که معتقد شویم خدا فیزیک آدم علیه السلام را به طور طبیعی و در چارچوب قوانین طبیعت آفریده باشد - چنان که بر اساس نظریه تکامل نیز انسان در روند انتخاب طبیعی و جهش ژنتیکی جانوران پست‌تر پدید آمده است و با جانوران و انسان‌های پیش از خود اشتراکاتی دارد، اما به دلیل گزارش عینی و ملموسی که قرآن و روایات از آفرینش دفعی آدم علیه السلام ارائه می‌کند - البته با تکیه بر شواهد و قرائنی که در همین سنت هست - می‌توان به قوت احتمال داد که همه این گزارش معطوف به رخدادهای در عوالم پیشاتحقیق، مانند عالم ذر و یا میثاق بوده است. از دیگر حقایقی که در این جستار آشکار شد، تناظر و همسانی قابل‌اعتنایی بود که میان داده‌های علمی با داده‌های قرآنی، روایی درباره ویژگی‌های انسان‌های پیش از آدم علیه السلام دیده می‌شود.

منابع و مأخذ:

افضلی، علی (۱۳۹۱)، «آفرینش انسان در آموزه های اسلامی و نسبت آن با نظریه تکامل»، در پژوهشنامه فلسفه دین، س ۱۰، ش ۲ (پیاپی ۲۰).
جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۸)، تسنیم: تفسیر قرآن کریم، قم: مرکز نشر اسراء.

دولت محمدعلی و علی افضلی (۱۳۹۴)، «بررسی تطبیقی تاریخ پیدایش انسان در زمین از نظر علم و آموزه های قرآنی و حدیثی»، در پژوهشهای علم و دین، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، س ۶، ش ۲.

سیحانی، جعفر (۱۳۸۳)، منشور جاوید، ج ۱، قم: موسسه امام صادق علیه السلام.
— سجادی، سیدابراهیم (۱۳۷۷)، «تحلیل داستان آدم در قرآن: یکم: نخستین انسان در نگاه های بشری»، در پژوهش های قرآنی، دوره ۴ (۱۶-۱۴).

سحابی، یدالله (۱۳۵۱)، خلقت انسان، تهران: شرکت انتشار.

سروش، عبدالکریم (۱۳۹۷)، کلام محمد صلی الله علیه و آله [رؤیای محمد صلی الله علیه و آله]، آمریکا: انتشارات سقراط.

شریعتی، علی (۱۳۶۹)، فلسفه انسان، تهران: انتشارات ارشاد.

_____ (۱۳۶۱)، انسان، در مجموعه آثار، ج ۲۴، تهران: انتشارات الهام.

صدوق، محمد بن علی (۱۳۸۵)، علل الشرایع، نجف: المكتبة الحیدریه.

_____ (۱۳۷۵)، التوحید، ج ۸، قم.

— طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۹۰ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت، موسسه الاعلمی للمطبوعات.

طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۴ق)، الامالی، قم: دارالتقافه.

عیاشی، محمد بن مسعود (بی تا)، تفسیر عیاشی، تهران: المكتبة العلمیه الاسلامیه.

فرامرز قراملکی، احد (۱۳۷۳)، موضع علم و دین در خلقت انسان، تهران: آرایه.

قرشی، علی اکبر (۱۳۶۷)، قاموس قرآن، تهران: اسلامیه.

کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۳)، الکافی، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
مایر، ارنست (۱۳۹۹)، تکامل چیست؟، ترجمه سلامت رنجبر، تهران: نشر آگاه.

مجتبایی، فتح الله (۱۳۷۴)، مدخل «آدم در فلسفه دینی و عرفان یهود»، در دایره المعارف بزرگ اسلامی، ج ۱، تهران.

مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق)، بحار الانوار، بیروت: مؤسسه الوفاء.

مسعودی، علی بن حسین (۱۳۸۴)، اثبات الوصیه للإمام علی بن ابی طالب علیه السلام، ج ۳، قم: انصاریان.

مشکینی اردبیلی، علی (بی تا)، تکامل در قرآن، ترجمه ق. حسین نژاد، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

مطهری، مرتضی (۱۳۷۰)، علل گرایش به مادیگری، در مجموعه آثار، تهران: انتشارات صدرا.

_____ (بی تا)، مقالات فلسفی، تهران: انتشارات حکمت.

_____ (۱۳۶۳)، توحید: راه‌های اثبات وجود خدا، تهران: انجمن اسلامی دانشجویان مدرسه عالی ساختمان.

مفید، محمد بن نعمان (۱۴۱۴ق)، الاختصاص، تحقیق علی اکبر غفاری، بیروت: دار المفید.

مکارم شیرازی ناصر با همکاری جمعی از نویسندگان، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۵۴ - ۱۳۸۷.

نصری، عبدالله (۱۳۷۹)، مبانی انسان‌شناسی در قرآن، ج ۳، تهران: مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.

ویتگنشتاین، لودویگ (۱۳۹۴)، رساله منطقی-فلسفی، ترجمه سروش دباغ، تهران: هرمس.

Atakuman, Çiğdem(2014). "Architectural Discourse and Social Transformation During the Early Neolithic of Southeast Anatolia". *Journal of World Prehistory*. Springer Nature. 27(1): 1–42.

Carroll, Robert L.(May 2007). "The Palaeozoic Ancestry of Salamanders, Frogs and Caecilians". *Zoological Journal of the Linnean Society*.

Darwin, Charles(1872), *The Origin of Species by Means of Natural Selection, or the Preservation of Favoured Races in the Struggle for Life*(6th ed.), London: John Murray, retrieved 9 January 2009.

Darwin, Charles(1871). *The Descent of Man, and Selection in Relation to Sex*.(1st ed.). London: John Murray, 2009.

– Dobzhansky, Theodosius(1973). Nothing in biology makes sense except in the light of evolution. *American Biology Teacher* 35, 125-129

Futuyma, Douglas J.(2005). *Evolution*. Sunderland, Massachusetts: Sinauer Associates, Inc.

– Green & Kircher,(2010), Genetic history of an archaic hominin group from Denisova Cave in Siberia(<https://www.nature.com/articles/nature:468>, pages1053–1060)

Martz, Larry & Ann McDaniel(1987), Keeping god out of class. *Newsweek*. June 29.

Phillip Lieberman(1991). *Uniquely Human*. Cambridge, Mass.: Harvard University Press.

Reich D, Green RE, Kircher M, et al.(2010). "Genetic history of an archaic hominin group from Denisova Cave in Siberia". *Nature*, 468(7327).

Wells, Spencer, *The Journey of Man*(2002): A Genetic Odyssey,(Penguin, UK; Princeton University Press and Random House, US; Fischer Verlag.

White, Tim D.; Asfaw, B.; DeGusta, D.; Gilbert, H.; Richards(2003), G. D.; Suwa, G.; Howell, F. C. "Pleistocene *Homo sapiens* from Middle Awash, Ethiopia", *Nature*, 423(6491): 742–747.

Wible JR, Rougier GW, Novacek MJ, Asher RJ(2007). "Cretaceous eutherians and Laurasian origin for placental mammals near the K/T boundary". *Nature*. 447(7147): 1003–1006.



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی